

صفحات ۱۵۳ - ۱۳۹

سیمای منتظر و حکمت انتظار در اشعار عرفانی امام خمینی (ره)

محمود قیوم زاده^۱

چکیده

شخصیت منتظر و فرهنگ انتظار از جمله مسائل بسیار مهم و اساسی در منظومه معرفتی دینی خصوصاً اسلام است؛ شناخت این شخصیت و ویژگی‌های آن با نگاه خاص عرفانی که در نزد عرفای مسلمان مطرح شده است، فرهنگ خاصی را به همراه خود دارد و کارایی انتظار را دارای نقش فوق العاده می‌کند. در آثار امام خمینی (ره) که خود شخصیتی جامع در حوزه اسلامی و اجتماعی است، شخصیت منتظر که به عنوان خلاصه اوصیاء و خاتم آنان مطرح بوده و انسان کامل می‌باشد، به شکل بدیع و با ویژگی‌های منحصر بفرد مطرح شده است، خصوصاً در آثار منظوم ایشان؛ در نوشتار پیش رو و با نگاهی عرفانی و با رویکردی کارکردگرایانه به مسئله مهدویت و انسان کامل در اشعار عرفانی امام خمینی (ره) پرداخته و با شیوه توصیفی تحلیلی و روش کتابخانه‌ای به صورت جامع این بحث واکاوی شده است.

واژگان کلیدی

مهدویت، انسان کامل، انتظار، امام خمینی (ره)، عرفان

۱- دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه، گروه معارف اسلامی، ساوه، ایران.

طرح مسأله

سخن از منتظر انسانها در طول تاریخ و آمال همه انبیاء و بشارت داده شده‌ی همه ادیان و فرهنگی که در انتظار چنین منتظری هست، کاری بس سترگ و فلسفه‌ای بس بزرگ دارد. امام خمینی (ره) در خصوص شخصیت منتظر، می‌سراید:

ای صوت رسای آسمانی	ای رمز ندای جاودانی
ای قلبه کوه عشق و عاشق	وی مرشد ظاهر و نهانی
ای جلوه کامل انال‌الحق	در عرش مرفح جهانی
ای موسی صعق دیده در عشق	از جلوه طور لامکانی
ای نقطه عطف راز هستی	برگیر ز دوست جام مستی
ای دورنمای پور آذر	نادیده افول حق ز منظر
ای نار فراق بر تو گلشن	شد برد و سلام از تو آذر
بردار حجاب یار از پیش	بنمای رخسار چو گل مصور
از چهره گل‌گذار دل‌دار	شد شهر قلندران منور
آشفته چه گشت پیچ زلفش	شد هر دو جهان چو گل معطر
بر گوش دل و روان درویش	بر گوی به صد زبان مکرر
ای نقطه عطف راز هستی	برگیر ز دوست جام مستی

(موسوی خمینی، ۱۳۷۴: ۹۰-۲۸۹)

یکی از مباحث مهم عرفان، مبحث امامت خصوصاً امامت حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است. هر کدام از عرفا، طبق ذوق عرفانی خویش و به مقتضای مقام در این خصوص ابراز نظر کرده‌اند.

حاصل کلام عرفا این است که خداوند سبحان، که فیاض علی‌الاطلاق است، به مقتضای فیاضیت خویش باید واسطه فیض داشته باشد تا فیوضات ربوبی را به عالم و آدم رساند و در ملک حضرت مالک الموت بسط دهد.

هر کدام از انبیای الواعزم در زمان خود صاحب این مقام بوده‌اند تا اینکه نوبت به خاتم الانبیاء رسید او نیز این مقام را به جانشین بلافصل خود علی بن ابی‌طالب سپرد و

علی (ع) نیز به اولاد معصوم خویش حسن و حسین و اولاد معصوم حسین (سلام الله علیهم) تفویض فرمود که آخرین نفر از این سلسله شریف، وجود اقدس حضرت صاحب الزمان است. وی دوازدهمین امام و حجت خدا است که هم‌اکنون زنده و روزی به امر الهی ظهور خواهد کرد، و جهان را پر از عدل و داد می‌نماید.

عرفا انسان کامل و امام معصوم را به عنوان خلیفه و ولی خدا از ابعاد گوناگون مورد بررسی قرار داده‌اند که در شعر حضرت امام (ره) در طلیعه نوشتار به پاره‌ای از آنها اشاره شده است. در اینجا به شرح اجمالی از شخصیت منتظر و هدف و کارکرد انتظار اشاره‌ای می‌شود.

هدف و غایت آفرینش

از نظر عرفان، انسان کامل غایت آفرینش است: یعنی، اگر انسان کامل نبود، جهان آفریده نمی‌شد. در حدیثی قدسی نیز آمده است: لولاک لما خلقت الافلاک (اگر تو نبودی افلاک را نمی‌آفریدم) با اینکه این حدیث شریف در خصوص حضرت ختمی مرتبت محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله و سلم) است، ولی هر انسان کاملی در حد خویش مصداق این کلام شریف است، از این رو هر کدام از حضرات معصومین (سلام الله علیهم) مورد خطاب این حدیث‌اند. حضرت امام (ره) می‌گوید:

خاصه کنون کاندن جهان، گردیده مولودی عیان
از بهر تکریمش میان بر بسته خیل انبیاء
مهدی امام منتظر نوباه خیرالبشر
مهر از ضیائش ذره‌ای، بدر از عطایش بدره‌ای

(موسوی خمینی، قصیدی عباریه، ۱۳۷۴: ۲۵۹)

وجود منتظر در نگاه ابن عربی

محبی الدین عربی نیز آنچه را عرفا و علمای شیعه در خصوص حضرت مهدی (عج) گفته‌اند، بیان می‌کند:

«بدان که خدا ما را تأیید کند، یقیناً خدای خلیفه‌ای دارد که روزی ظهور خواهد کرد در حالی که زمین پر از ظلم و جور شده است، ولی او آن را از عدل و سقط پر خواهد

ساخت. حتی اگر از عمر دنیا یک روز بیشتر نمانده باشد، خدا آن روز را آنقدر طولانی می‌نماید که مهدی خلیفه خدا از عترت رسول خدا و فرزند فاطمه اسمش هم اسم رسول خدا و جد او حسین بن علی بن ابی طالب است، ظهور کند. او از مردم در بین رکن و مقام بیعت می‌گیرد: شبیه رسول الله است هم در خلق و هم در خلق... به واسطه‌ی مهدی همه مذاهب از بین می‌رود و جز دین خالص، دینی باقی نمی‌ماند... شهدای مهدی بهترین شهید و امنای مهدی، بهترین امنای هستند. حکم هر چیزی را از سوی خدا می‌داند، زیرا که او خلیفه‌ی خداوند است. زبان پرندگان را می‌داند و عدالتش در انس و جن سریان دارد. (ابن عربی، ۱۴۱۸: ۳/۲۶۶)

لاهیجی در کتاب شرح گلشن راز می‌گوید:

«ظهور تمامی ولایت و کمالش به خاتم اولیاء خواهد بود چون کمال حقیقت دایره در نقطه خیر به ظهور می‌رسد و خاتم الاولیاء عبارت از امام محمد مهدی است که موعود حضرت رسالت (صلی الله علیه و آله) است. «حیث قال: لو لم یبق من الدنیا الا یوم یطول الله ذلک الیوم حتی یبعث فیہ رجلا منی او من اهل بیتی یواطی اسمہ اسمی و اسم ابیه اسم ابی یملاء الارض قسطا و عدلا کما ملئت ظلما و جورا و قال ایضا: المهدی من عترتی من اولاد فاطمة (علیها السلام)» [بدو یابد تمامی دور عالم] یعنی به خاتم الاولیاء که عبارت از مهدی است دور عالم تمامی و کمال تام یابد و حقایق اسرار الهی در زمان آن حضرت تمام ظاهر می‌شود، زیرا که چنانچه در دور نبوت کمال احکام شرعی و اوضاع ملیه در زمان خاتم انبیاء به ظهور پیوسته ختم نبوت شد، در دور ولایت نیز اسرار الهی و حقایق و معارف یقینی در دور خاتم اولیاء به کمال رسیده به آن حضرت مختتم می‌شود...» (لاهیجی، ۱۳۷۱: ۳۱۷ و ۳۱۵)

وی سپس در تبیین این مطلب که مهدی از فرزندان حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) است می‌گوید:

«بدان که نسبت فرزندگی به سه نوع متحقق می‌شود، یکی نسبت صلبی که معارف و مشهور است، دوم نسبت قلبی که به حسن ارشاد و متابعت دل تابع در صفا مثل متبوع گردد، سوم نسبت حقیقی که تابع به برکت حسن متابعت متبوع به نهایت مرتبه کمال

که جمع و فرق الجمع است برسد و تابع و متبوع یکی گردد. چون خاتم اولیاء البته از آل محمد است، نسبت صلبی ثابت است و چون دل مبارکش به سبب حسن متابعت خاتم انبیاء مرآت تجلیات نامتناهی الهی شده است، نسبت قلبی واقع است و چون وارث مقام «لی مع الله وقت» گشته است، نسبت حقی حقیقی که فوق جمع تشبیهات است، تحقق یافته، پس هر آینه میان خاتم الولایه و خاتم النبوه نسبت تام که نسبت ثلاثه است واقع باشد. (همان) عزیز الدین نسفی در کتاب مقصد اقصی می گوید:

«چون ولایت و نبوت را دانستی اکنون بدان که شیخ سعد الدین حموی می فرماید: که هر دو طرف جوهر اول را در این عالم دو مظهر می باشد، مظهر این طرف که نامش نبوت است خاتم انبیاء است و مظهر آن طرف که نامش ولایت است صاحب الزمان است و صاحب الزمان اسامی بسیار دارد... ای درویش. صاحب الزمان علم به کمال و قدرت به کمال دارد. علم و قدرت را با وی همراه کرده اند، چون بیرون آید تمامت روی زمین را بگیرد و روی زمین را از جور و ظلم پاک گرداند و به عدل آراسته گرداند و مردم در وقت وی در آسایش باشند. شیخ سعد الدین حموی در حق این صاحب الزمان کتابها ساخته است و مدح وی بسیار گفته است... صاحب الزمان که گفته شد ولی است چون بیرون آید ولایت ظاهر شود و حقایق آشکار شود...» (جامی، بی تا: ۲۴۵ و ۲۴۶)

بخش پایانی کلام محیی الدین در اشعار حضرت امام (ره) چنین بیان شده است.

امرش قضا، حکمش قدر، حش جنان بغضش سقر	خاک رهش زبید اگر بر طره ساید حور عین
داند قرآن سر به سر بایی ز مدحش مختصر	اصحاب علم و معرفت، ارباب ایمان و یقین
سلطان دین شاه زمن، مالک رقاب مرد و زن	دارد به امر ذوالمنن روی زمین زیر نگین
ذاتش به امر دادگر، شد منبع فیض بشر	خیل ملایک سر به سر در بند الطافش رهین
گر نه وجود اقدسش ظاهر شدی اندر جهان	کامل نگشتی دین حق ز امروز تا روز پسین
ایزد به نامش زد رقم، منشور ختم الاوصیاء	چونانکه جد امجدش گردید ختم المرسلین

(موسوی خمینی، قصیده بهاریه، ۱۳۷۴: ۲۶۰)

حاکمیت دین و تحقق عدالت

یکی از حمت های ظهور حضرت مهدی (ع) حاکمیت دادن به دین و تحقق یافتن عدالت دینی است. منظور از عدالت دینی، عدالتی است که دین معرفی می کند، نه عدالت

سیاسی که هر سیاستمدار طبق ذوق و سلیقه خود و در جهت اغراض شیطانی و حکومتی خویش مدعی آن است، به طوریکه در جهان امروز بسیاری از ظلم‌ها در لباس عدالت رواج می‌یابد.

از نظر عرفا عدالت وقتی جهانگیر می‌شود که دین خالص الهی جهانگیر شود. لازمه جهانگیری دین حق، از بین رفتن مذاهب مختلف و باقی ماندن مذهب واحد است. محیی الدین عربی می‌گوید:

«... مهدی ظلم و ظالم را از بین برده و دین را برپا داشته و روح زندگی و عزت را در اسلام می‌دمد دین را آنگونه که هست ظاهر می‌سازد، به طوریکه اگر رسول الله (ص) بود همان حکم را می‌کرد. به واسطه مهدی بساط همه مذاهب برچیده می‌شود و جز دین خالص چیزی باقی نمی‌ماند. عموم مسلمین به وجود او خوشحال شده و عرفای بالله و اهل حق با وی بیعت می‌کنند مردان الهی هستند که به دعوت او لبیک گفته و امر او را برپا می‌دارند و به یارش می‌شتابند... حضرت عیسی در دمشق بر وی نازل می‌شود و به سنت رسول الله (ص) نماز می‌گذارد...» (ابن عربی، ۱۴۱۸: ۳۶۶) قرآن کریم می‌فرماید: « وَ لَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ »؛ و هر آینه در زبور پس از قرآن نوشتیم که همانا وارث حکومت زمین صالحین خواهند بود. (انبیاء/ ۱۰۵)

حضرت امام (ره) در حاکمیت حضرت مهدی (عج) و ریشه کن کردن ظلم و جور و گسترش عدالت مطلقه و از بین رفتن مذاهب ضالّه می‌گوید:

ای خسرو گردون فرم لختی نظر کن از کرم	کفسار مستولی نگر اسلام مستضعف بین
ناموس ایمان در خطر از حيله لامذهبان	خون مسلمانان هدر از حمله اعداء دین
ظاهر شود آن شه اگر شمشیر حیدر بر کمر	دستار پیغمبر به سر دست خدا در آستین
دیاری از این ملحدان باقی نماند در جهان	ایمن شود روی زمین از جور و ظلم ظالمین
نوح و خلیل و بوالبشر ادریس و داود و پسر	از ابریفیش مستمر ارکان علمش مستعین
موسی به کف دارد عصا دربانیش را منتظر	آماده بهر اقتدا عیسی به چرخ چارمین
بر روی احبابت شود مفتوح ابواب ظفر	بر جان اعدایت رسد هر دم بلای سهمگین
تا باد نوروزی وزد هر ساله اندر بوستان	تا ز ابر آزادی دمد ریحان و گل اندر زمین

بر دشمنان دولت هر فصل باشد چون خزان
بر دوستان هر دمی بادا چو ماه فرودین
عالم شود از مقدمش خالی ز جهل از علم پر
چون شهر قم از مقدم شیخ اجل میر مهین
(موسوی خمینی، ۱۳۷۴: ۲-۲۶۱)

مولوی نیز در این خصوص اشعاری دارد که به ذکر گزیده آن اکتفا می‌کنیم:

مهدی سوار آخرین بر خصم بگشاید کمین
تخم خوارج در جهان ناچیز و ناپیدا شود
مهدی و مهدی تویی رحمت ایزدی تویی
خواجه بیا، خواجه بیا، خواجه دگر بار بیا
عاشق مهجور نگر، عالم پرشور نگر
پای تویی، دست تویی هستی هر هست تویی
گوش تویی، دیده تویی، وز همه بگزیده تویی
ای ز نظر گشته نهان ای همه را جان و جهان
روشنی روز تویی، شادی غم‌سوز تویی
ای علم عالم نو، پیش تو هر عقل گرو
ای شب آشفته برو، وی غم ناگفته برو
ای نفس نوح بیا، وی هوس روح بیا
ای مه افروخته‌رو، آب روان در دل جو
خارج رود زیر زمین الله مولانا علی
آن شاه چون پیدا شود الله مولانا علی
روی زمین گرفته‌ای داد زمانه داده‌ای
رفع مده دفع مده‌ای مه عیار بیا
تشنه مخمور نگر، ای شه خمار بیا
بلبل سرمست تویی جانب گلزار بیا
یوسف دزدیده تویی، بر سر بازار بیا
بار دگر رقص کنان بی‌دل و دستار بیا
ماه شب‌افروز تویی، ابر شکر بار بیا
گاه میا، گاه مرو، خیز به یکبار بیا
ای خرد خفته برو، دولت بیدار بیا
مرهم مجروح بیا، صحت بیمار بیا
شادی عشاق بجو، کوری اغیار بیا
(بلخی موسوی، ۱۳۶۲: ۶۴)

جهانگیری و عالم‌داری حضرت مهدی(عج)

حضرت امام خمینی در خصوص جهانگیری و جهانداری حضرت صاحب‌الامر در جای دیگر از دیوان خود می‌فرماید:

مصدر هر هشت گرویدن مبدا هر هفت اختر
والی هر چهار عنصر حکمران هر سه دختر
آنکه جودش شهره نه آسمان بل لامکان شد
هم حسین قدرت، علی زهد و محمد علم مهر و
هم تقی تقوا، تقی بخشایش و هم عسکری مو
خالق هر شش جهت، نور دل هر پنج مصدر
پادشاه هر دو عالم، حجت یکتای اکبر
مصطفی سیرت، علی فر، فاطمه عصمت حسن خو
شاه جعفر فیض و کاظم حلم و هفت قبله گیسو
مهدی قائم که در وی جمع، اوصاف شهبان شد

پادشاه عسکری طلحت تقی حشمت نقی فر
علم باقر، زهد سجاد و حسینی تاج و افسر
مصطفی اوصاف و مجلای خداوند جهان شد
فیض بی حدش به بخشش، ثانی مجلای اقدس
نطق من هر جا چو شمشیر است و در وصف شه احرس
دست تقدیرش به نیرو جلوه عقل مجرد
حکم و فرمانش محکم، امر و گفتارش مسدد

آنکه از «یزدان خدا» بر جمله پیدا و نهان شد

(موسوی خمینی، ۱۳۷۴: ۷-۲۷۵)

آیینه خدا نما

حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) آیینه تمام‌نمای حضرت حق است. در عرفان اسلامی هر یک از اقطاب و معصومین الهی اعم از انبیاء یا اولیا (سلام الله علیهم اجمعین) آیینه تمام‌نمای خدایند، زیرا تنها مظهر کامل اسماء و صفات الهی وجود مبارک انسان کامل است و اهل بیت عصمت و طهارت همانند رسول اکرم مظاهر جمال و جلال خدا هستند. همه عرفا به این مطلب اشاره کرده‌اند، به خصوص حضرت امام خمینی (ره) در بسیاری از آثار خود به بیان این حقیقت پرداخته‌اند. وی در مقدمه وصیت‌نامه سیاسی - الهی خود می‌فرماید:

الحمد لله و سبحانک، اللهم صل علی محمد و آله مظاهر جمالك و جلالک و خزائن اسرار کتابک الذی علی فیہ الاحدیة بجمع اسمائک و صفاتک حتی المستأثر منها الذی لایعلمه غیرک

(پاک پروردگارا بر محمد و آل محمد درود فرست که مظاهر جمال و جلال و گنجینه‌های اسرار کتاب تو هستند. آن کتابی که احدیت به تمامی اسماء و صفات تو حتی اسماء مستأثرت که جز تو از آن خبر ندارد در آن تجلی کرده است.)

انسان کامل چون خلیفه خداست، ضرورتاً باید به صفات خداوندی متصف باشد زیرا لازمه خلیفه بودن سنخیت وی با مستخلف است که این سنخیت در تخلق به اخلاق الله

حاصل می‌شود.

«خلیفه را از اتصاف به صفات مستخلف و تخلق به اخلاق او گریز نیست: زیرا که خلفا مشاهد صفات ربوبیت و مظاهر اسما الوهیت‌اند بل ظهور صفات الهی و سریان اخلاق نامتناهی در عموم کرام و شرفا جز به یمن انفاس خلفا میسر نگردد، و از این جهت لازم شود که هر چه مستلزم وجود مستخلف (خدا) باشد لازم وجود خلیفه شود الا وجوب [یعنی واجب‌الوجود بودن که صفت محض حضرت حق است] (ابرقوی، بی تا: باب ۳) بنابراین، حضرت مهدی به عنوان یکی از اهل بیت عصمت و طهارت، مظهر جمال و جلال الهی است، به عبارت دیگر آئینه‌ای که خدای سبحان تمامی اسما و صفات خود را در آن می‌بیند.

مرآت ذات کبریا مشکوه انوار هدا منظور بعث انبیاء مقصود خلق عالمین.

(موسوی خمینی، ۱۳۷۴: ۲۶۰)

در این بیت، امام نه تنها حضرت مهدی را آئینه ذات کبریایی معرفی می‌کند، بلکه وی را هدف نهایی از بعثت تمام انبیاء نیز می‌داند، زیرا همه انبیاء جهت اجرای احکام الهی مبعوث شدند، ولی شرایط زمانه اجازه ندادند تا آن پاکان به مقاصد پاک خود برسند و این آرزو در دلشان ماند، ولی امام مهدی با ظهور خود و اجرای کامل احکام الهی به مقصود انبیاء تحقق خارجی خواهد بخشید، زیرا که مهدی:

امرش قضا حکمش قدر حبش جنان بغضش سقر خاک رهش زبیداگر بر طره سایه حور عین

(همان: ۲۶۰)

و یا اینکه چه نیکو گفته‌اند:

حضرت صاحب زمان مشکوه انوار الهی	مالک کون و مکان مرآت ذات لامکانی
مظهر قدرت، ولی عصر، سلطان دو عالم	قائم آل محمد، مهدی آخر زمانی
با بقاء ذات مسعودش همه موجود باقی	بی لحاظ اقدسش یک دم همه مخلوق فانی
خوشه چین خرمن فیضش همه عرشی و فرشی	ریزه خوار خوان احسانش همه انسی و جانی
از طفیل هستی اش هستی موجودات عالم	جوهری و عقلی و نامی و حیوانی و کانی
شاهدی کو از ازل از عاشقان بر بست رخ را	بر سر مهر آمد و گردید مشهور و عیانی

از ضیاءش ذره‌ای برخاست شد مهر سپهر
از عطایش بدره‌ای گردید بدر آسمانی
بهر تقبیل قدمش انبیاء گشتند حاضر
بهر تعظیمش کمر خم کرد چرخ کهکشانی
گو بیا بشنو بگوش دل ندای «انظرونی»
ای که گشتی بی خود از خوف خطاب «لن ترانی»
(همان: ۲۶۵)

اشعار فوق، بیانگر عظمت حضرت صاحب الزمان، عجل الله تعالی فرجه الشریف‌اند، کسی که مظهر قدرت، عدالت و لطف و قهر الهی است.

همه انبیای الهی به خصوص انبیای اولوالعزم، سلام الله علیهم، چنین بوده‌اند، لیکن آن بزرگان مظاهر ظهور و بروز این کمالات بودند نه مظاهر وقوع، ولی حضرت مهدی هم مظهر ظهور است و هم مظهر وقوع.

همه انبیا آئینه عدالت، حکمت، قدرت، رحمت و... بوده‌اند، اما عدم قابلیت انسان‌های زمانش امکان وقوع و تحقق این کمالات را نمی‌داد، از این رو همه آنها منتظر ظهور حضرت مهدی و تحقق بخشیدن به آرزوهایشان می‌باشند: به عبارت دیگر حکومت حضرت مهدی حکومت همه انبیای الهی است، بدین جهت امام خمینی فرمود:

بهر تقبیل قدمش انبیا گشتند حاضر
بهر تعظیمش کمر خم کرد چرخ کهکشانی

بنابراین می‌توان گفت مظهریت انسان کامل و آئینه خدا بودنش تاکنون آنگونه که باید و شاید شناخته نشده است و این مسأله به طور شایسته فقط در حکومت حضرت مهدی شناخته خواهد شد، زیرا تاکنون انسان‌های کامل نتوانسته‌اند کاملاً فضایل خود را عیان کنند، اما در دوران ظهور حضرت قائم، این کمالات ظاهر گشته و مردم نیز به برکت وجود وی کمال وجودی یافته و این سبب است که می‌توان گفت حدیث قدسی لولاک لما خلقت الافلاک به شکل کامل متوجه حضرت مهدی است، یا اینک این دین شریف در حق حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) بیان شده است، اما عظمت و برکت حضرت خاتم الانبیاء آنگاه به طور شایسته روشن خواهد شد که حضرت خاتم‌الاولیاء ظاهر شود و احکام دین جدش را به اجرا درآورد، پس می‌توان گفت بقای همه هستی به بقای وجود حضرت مهدی است همانطور که حدوث آن به حدوث وجود حضرت مهدی است.

با بقاء ذات مسعودش همه موجود باقی
بی لحاظ اقدسش یکدم همه مخلوق فانی

از طفیل هستی اش هستی موجودات عالم جوهری و عقلی و نامی و حیوانی و کانی

گنجینه الهی بودن منتظر

عرفا در خصوص مرآتیت انسان کامل حرف های زیادی دارند که همه مؤید گفتار فوق الذکر است. آنان عقیده دارند غرض از هستی عالم این است که خدا اسما و صفات خود را در آینه کثرات مشاهده کند. کنت کنزاً مخفياً فاحیبت ان اعرف فخلقت الخلق لکی اعرف.

(مجلسی، ۱۴۰۳: ۸۴ / ۱۱۹)

من گنج نهانی بودم، دوست داشتم که شناخته شوم پس مخلوقات را آفریدم تا شناخته شوم

گوت کنزاً گفت مخفياً شنو
گوهر خود گم مکن اظهار شو
تا نماید گنج حکمت ها نهان
بهر اظهار است این خلق جهان

(بلخی موسوی، ۱۳۷۴: ۲۶۴)

عشق است غنی ز بوده و نابوده
عکس رخ خود ز این و آن بنموده
جاوید به مستقر عز آسوده
و آنکه به جمال و حسنشان بستوده^۱

(حمای، بی تا: ۲۰)

از آنجایی که هر مخلوقی به اندازه سعه وجودی خود می تواند، مظهر گنجینه های الهی باشد و از طرف محدودیت های مادی و معنوی نمی گذارد که مخلوقات مستقیماً با مبدأ اعلی و منشأ هستی در ارتباط باشند، لذا حکمت الهی اقتضا می کند که واسطه فیضی در میان مخلوقات قرار دهد تا هم خود را در آن مشاهده کند و هم مخلوقات خدا را در آن ببیند که همان آیت عظمی و آینه تمام نمای حضرت حق یعنی، انسان کامل است، از این رو امام خمینی (ره) می گوید:

مرآت ذات کبریا مشکوه انوار هدا منظور بعث انبیاء مقصود خلق عالمین

داود قیصری می گوید:

«... برای اینکه خداوند متعال وقتی به واسطه ذات خود برای ذات خود تجلی کرد و

تمام صفات و کمالات خود را در ذات خود مشاهده کرد، اراده کرد که این کمالات و صفات خود را در حقیقتی مشاهده کند که برای خداوند به منزله‌ی آئینه باشد.

(قیصری، ۱۲۹۹: ۱۵۷)

حضرت امام خمینی (ره) در جای دیگر می‌فرماید:

«یقیناً آن حقیقت غیبیه مطلقه که به حسب حقیقت ظهوری ندارد به ناچار برای ظهورش آئینه‌ای لازم است که عکس آن حقیقت در آن تجلی کند.» (موسوی خمینی، ۱۳۷۲: ۵۴)

عطار نیشابوری تمثیل بسیار زیبایی در خصوص آئینه بودن انسان کامل دارد. وی می‌گوید: چو هیچ موجودی تاب و توان رویارویی مستقیم با خداوند را نداشته و از طرفی طاقت دوری از او را نیز ندارد، پس باید به گونه‌ای غیرمستقیم با حضرت معبود در ارتباط باشند، از این جهت انسان کامل واسطه بین عالم الوهیت و عالم عبودیت است. عطار در این تمثیل انسان کامل را آئینه‌ی خدایی تعبیر می‌کند:

پادشاهی بود بس صاحب جمال	در جهان حسن بی‌مثل و مثال
ملک عالم مصحف آیات او	دلربائی پرچم رایات او
می‌ندانم هیچکس آن زهره داشت	کز جمال او تواند بهره داشت
هر که کردی سوی آن برقع نگاه	سربریدند از تن وی بیگناه
مردن از عشق رخ آن دل‌نواز	بهتر از صد زندگانی دراز
نی کسی را صبر زو بودی دمی	نی کسی را تاب او بودی همی
هر که او دیدی جمالش آشکار	جان بدادی و به مُردی زار زار
لیک چون کس تاب دید او نداشت	لذتی جز در شنید او نداشت
شاه را قصری نکو بنگاشتند	و آینه اندر برابر داشتند
بر سر آن قصر وقتی پادشاه	و آنگهی در آینه کردی نگاه
روی او از آینه می‌تافتی	هر کس از رویش نشان می‌یافتی

(نیشابوری، ۱۳۶۶: ۴۷)

چون کسی را نیست چشم آن جمال	وز جمالش هست صبر ما محال
با جمالش چونکه نتوان عشق باخت	از کمال لطف خود آئینه ساخت

(همان: ۷۰)

اولیت و آخریت مهدی(عج)

در مباحث گذشته بیان شد که حکمت و حکومت همه انبیا، تحقق احکام الهی در روی زمین بوده است که هر کدام از آن پاکان در حد توان و اقتضای زمان در این راه کوشیده‌اند، ولی هیچکدام به هدف و مقصود خود نرسیدند و تنها قدرتی که به این امر لباس تحقق خارجی خواهد پوشاند وجود مقدس صاحب‌الزمان است، به عبارت دیگر آخرین معصوم از سلسله معصومین مجری احکام الهی خواهد بود که اولین خواسته هر پیامبر و امامی است، پس آنچه در اول مورد نظر بوده است به دست آخرین نفر از این سلسله الهی تحقق خواهد یافت. در واقع، حضرت مهدی هدف غایت نبوت و امامت است و چون هدف غایی است، پس وجوداً قبل از همه و وقوعاً بعد از همه خواهد بود، بدین جهت حضرت امام(ره) می‌گوید:

روزگارش گرچه از پیشینیان بودی مؤخر لیک از آدمی بدی فرمائش تا عیسی مقرر
از فراز توده غبرا، تا گردون اخضر وز طراز قبه ناسوت تا لاهوت یکسر

بنده فرمانبرش گردیده و عبد آستان شد

(موسوی، خمینی، ۱۳۷۴: ۲۷۷)

مولوی در شرح حدیث شریف نحن الاولون الآخرون (ما اولیهای آخری هستیم)

می‌گوید:

ظاهر آن شاخ اصل میوه است باطنا بهر ثمر شد شاخ هست
گر نبودی میل و امید ثمر کی نشاندی باغبان بیخ شجر
پس به معنی آن شجر از میوه زاد گر به صورت از شجر بودش ولاد
مصطفی زین گفت کآدم و انبیاء خلف من باشد در زیر لوا
بهر این فرموده است آن ذوفنون رمز نحن الآخرون السابقون
گر به صورت من ز آدم زاده‌ام من به معنی جد جد افتاده‌ام
کز برای من بدش سجده ملک وز پی من رفت بر هفتم ملک
پس ز من زایید در معنی پدر پس ز میوه زاد در معنی شجر

(بخلی مولوی، ۱۳۷۴: ۳۰/۴-۵۲۲)

مولوی می‌گوید همانطور که هدف باغبان از کاشتن درخت، ثمره آن است و درخت بی‌ثمر ارزش کاشتن ندارد، به عبارت دیگر اگر در ظاهر، میوه محصول درخت است، ولی در واقع درخت محصول میوه است، زیرا اگر میوه‌دهی نباشد درختی کاشته نمی‌شود. جامی می‌گوید:

آدم که به صورت پدر و من پسرم
صد گونه گواه آید ازو در نظرم
آندم که بدیده حقیقت نگرم
کواز ره معنی پسر و من پدرم
(جامی، بی تا: ۲)

از این رو همه انبیاء مانند درختی هستند که کاشته می‌شوند تا میوه بدهند. میوه انبیای سلف پیامبر اکرم و خاندان وی است که اگر اینها نبودند آنان نیز نبودند. از این جهت حضرت امام خمینی (ره) ظهور شجره طیبه نبوت را به برکت وجود حضرت رسول اکرم (ص) دانسته و می‌گوید:

ای صوت رسای آسمانی
ای قله کوه عشق و عاشق
ای رمز ندای جاودانی
ای جلوه کامل ان‌الحق
وی مرشد ظاهر و نهانی
وی اصل شجر ظهوری از تو
در عرش مرفع جهانی
در پرتو سر سرمدانی
(موسوی خمینی، ۱۳۷۴: ۲۸۹)

نتیجه‌گیری

از آنچه در متن نوشتار به آن پرداخته شد و میرهن گردید می‌توان یافت که انسان کامل در منظومه فکری و دینی جایگاه والایی دارد و این شخصیت جهت اولاً: وساطت در فیض، خلق و رزق ضروری و اساسی است و ثانیاً: حقیقت خلقت در نهایت به انسان کامل خواهد رسید و شناخت این شخصیت فرهنگ کافی را به همراه خود آورده و کارایی بالایی را در پیمودن راه درست و امید به آینده داشته به گونه‌ای که فرهنگ انتظار در چنین تفکری فلسفه و اجتماعی بسیار قوی و والایی دارد.

فهرست منابع

- قرآن کریم، ترجمه آیه الله مکارم شیرازی
ابرقویی شمس الدین، (بی جا)، مجمع البحرین.
ابن عربی، (۱۴۱۸)، الفتوحات المکیة (فی معرفة اسرار المالکیة و المملوکیة)، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، لبنان.
بلخی مولوی، جلال الدین، (۱۳۶۲)، کلیات شمس تبریزی (دیوان)، امیر کبیر، تهران.
بلخی مولوی، جلال الدین، (۱۳۷۴)، مثنوی معنوی، به تصحیح: رینولد نیکلسون، انتشارات علمی و نشر علم، تهران.
جامی، نورالدین عبدالرحمن، (بی تا)، اشعة اللمعات، بی جا.
قیصری، داود، (۱۲۹۹)، شرح القیصری علی فصوص الحکم، انتشارات بیدار، قم.
لاهیجی، شیخ محمد، (۱۳۷۱)، مفاتیح الاعجاز فی شرح گلشن راز، مقدمه و تصحیح و تعلیق محمد رضا برزگر خالقی و عفت کرباسی، زوار، تهران.
مجلسی، ملا محمد باقر، (۱۴۰۳)، بحار الانوار لدرر الاخبار عن ائمة الاطهار، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، لبنان.
موسوی خمینی (امام)، سید روح الله، (۱۳۷۴)، دیوان (امام)، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، تهران.
موسوی خمینی (امام)، سید روح الله، (۱۳۷۲)، مصباح الهدایة الی الخلافة و الولاية، با مقدمه: سید جلال الدین آشتیانی، مؤسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی (ره)، تهران.
نیشابوری، عطار، (۱۳۶۶)، منطق الطیر، به کوشش: تقی فضلی، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.